

درباره مباحث روز در درس خارج فقه مرحوم آیتا... فاضل لنکرانی، آیتا... این مصاحبه نزد پسر ایشان پرویم؛ چراکه ایشان بیش از همه فقها نسبت به این موضوع آشنایی دارد. آیتالله‌العظمی لنکرانی بیش از تولد فرزند، در خواب دیده بود که خداوند به وی پسری عطا می‌کند که به بدن او متصل است؛ و آن را به پسر بودن و روحانی شدن فرزند خود تعبیر کرده بود. آیتالله محمدجواد فاضل لنکرانی در سال‌های تحصیل خود به محضر علمان بسیاری شرفیاب شده و دروس دوره ادبیات را نزد استاد بیگدلی گذرانده، در دروس رسالت و کتایه (جله دوم) به محضر آیتا... سید رسول موسوی تهرانی و آیتا... اعتمادی راه یافت. کتاب مکتب‌ها را نیز به‌صورت خصوصی از آیتا... یا پائی فراگرفت. با اتمام دوره سطح، برای بحث‌های تخصصی و اجتهادی در دروس والد مکرم خود شرکت کرده و حدود ۱۵ سال از محضر والد عظیم‌الشان بهره‌های فراوان برد. حدود هفت سال نیز نزد آیتا... وحیدخراسانی تلمذ کرد. همچنین چندین سال از دروس فقه حضرت آیتا... سیدکاتم حائری بهره برد. در علوم عقلی از اساتیدی همچون علامه حسن‌زاده و آیتالله جوادی آملی استفاده کرد و علم هیئت و نجوم را نیز نزد استاد حسن‌زاده آملی گذراند. سپس ۲۵ سال تکیه بر کرسی تدریس زده و ۱۳ سال درس خارج فقه و اصول تدریس می‌کند. در سال ۱۳۷۶ اجازة اجتهاد خود را از پدر گرامی‌اش گرفته و از سوی شورای عالی حوزه علمیه قم نیز در ۱۳ آبان ۱۳۸۱ مدرک علمی سطح چهار در رشته فقه و اصول، که همان اجتهاد است را با معدل ۱۸ و درجه عالی دریافت کرد.

گفت‌وگو با آیتا... محمدجواد فاضل لنکرانی

## آسیب ورود مباحث روشنفکری

## درحوزه‌فتاوا



مکس: امیر حسامی‌نژاد

**موضوع ما جایگاه مباحث روز دنیا و علوم جدید در درس خارج فقه آیتا... فاضل لنکرانی است. لذا برای این‌که مخاطب قدری جهات فقهی ایشان آشنایی داشته باشد، لازم است کمی در مورد زندگی فقهانی ایشان سخن بگویید.**

ایشان فقهی بسیار برجسته و توانمند بود و اساتید بزرگی نظیر امام خمینی و آیتا... بروجردی از نظر علم و فقهی بسیار به ایشان توجه داشتند. در همان ایام جوانی بین سنین ۲۰ و ۲۵ سالگی کتاب حائز‌اهمیتی در مباحث فقهی از ایشان منتشر شد که آیتا... بروجردی در همان زمان نسبت به مرتبه اجتهادی وی تصریح می‌کردند، ما با اگر بخواهیم ابعاد فقهی ایشان را به‌صورت اجمالی

**نمونه‌ای در این زمینه بفرمایید.**

به‌عنوان نمونه در صلا مسافرت روایتی داریم که می‌فرماید: «لاپهم عمل» که منوط می‌شود به کسانی که نمازشان

در مسافرت کامل است. برخی از فقها برداشت کرده‌اند که جمله «لاپهم عمل» یعنی این‌که اگر کار او مسافرت کردن باشد، روزه و نمازش کامل است، ولی ایشان نظرشان این نبود و معتقد بودند که این روایت، تنها شامل کسی که برنمایش مسافرت کردن است، نمی‌شود. مثلا کاسبی در تهران برنمایش این است که هر هفته پنج‌شنبه‌ها برود قم برای زیارت زيارت کردن این شخص جزو شغل او به‌حساب می‌آید، ولی اگر برنمایش باشد، نمازش کامل است.

**دیدگاه ایشان در مورد رؤیت هلال چه بود؟**

در بحث رؤیت هلال، ایشان جزو کسانی بودند که صریحا فتوا دادند که رؤیت هلال با ابزار روزی بلامانع است که البته این فتوا تأثیر زیادی هم در آن زمان گذاشت، ایشان می‌گفتند از نظر عرفی دین با چشم معمولی و با تلسکوپ هر دو دین است و در روایات ما آمده است که بعد از دیدن، روزه بگیرد، دین با تلسکوپ ببیند که کسی را کشف کند، خود این برداشت نشانگر فهم مستقیم در همه مباحث فقهی ایشان است و این‌طور نبوده که در یک‌جا احتیاط بکند و در یک‌جا آسان بگیرد. ایشان با مثال صحیحی که با متن دین سازگار دارد، پیش می‌رفت.

**در بحث اقتصاد، ایشان چه نظرانی داشتند؟**

متأسفانه در زمانه ما عداوی اصرار دارند بگویند که آن چیزی که در بانک‌های ما وجود دارد، حکم را دارد. نظر ایشان این نبود و می‌گفتند همین مقدار که مبتنی بر یک عقود شرعی است و چون یک مؤسسه‌ای است در نظام اسلامی طبق ضوابطی که در شورای نگهبان جمعی از فقها مشخص کرده‌اند، کافی است و عقودی که در بانک‌ها انجام می‌شود عقود شرعی بوده و لذا بلامانع است.

البته موقعی که بانک‌ها فاکتورهای صوری بگزارند و یا نسبت به این عقود عمل نکنند، می‌شود ربا، و با نظر صریح ایشان در مورد تریکر هم این بود که آیتا... نیز است و هیچ تردیدی در آن نیست.

یعنی وقتی فتوای ایشان را بررسی می‌کنیم، می‌تایم که آسان بودن دین و برداشت می‌کردند که شرایط این جامعه و متناسب با مخاطبینی بود که گویا در زمان صدور این روایات حضور داشتند.

شما اگر استفتائات ایشان را در مسائل مختلف ببینید، متوجه می‌شوید که این مباحث در آن وجود دارد.

البته این مباحث این‌طور نباید باشد که ما با نظریه‌های روشنفکری جلو برویم و مباحث استنباطی مورد غفلت قرار بگیرد.

ایشان شدیدا نسبت به این مسئله

دقت‌نظر داشتند که مبدا مباحث روشنفکری خواهد در این مباحث دخالتی داشته باشد.

**در بحث مهریه نیز ایشان فتوای مورد توجهی داشته‌اند؟**

در مسئله دین و جهیزیه‌ها ایشان می‌گویند که دین، همان قدری است که از کسی قرض گرفته‌ای؛ مثلا شما اگر خانهای را مهر کرده‌اید، باید خانه را ملاک قرار دهید ولسو بعد از ۱۰۰ سال این خانه و ارزان و یا گران‌تر شود. از آن‌جایی که خود افراد و اشخاص می‌دانند، پول به اختلاف زمان، قدرت خریدش کم و زیاد می‌شود، پس هر آنچه مقرر کرده‌اند، همان ملاک است.

ایشان همیشه جنبه تسهیلی دین را در نظر داشتند و فتوای ایشان راه‌گشا بود؛ در عین حال ابی از این داشتند که آسان خواهد تحت تأثیر جریان روشنفکری قرار بگیرد.

حتی در کتاب‌های استدلالی‌شان و در سخنرانی‌های‌شان به‌شدت برخورد می‌کردند که کسی نخواهد تحت تأثیر روشنفکری زمامه فتوا دهد.

**در حوزه پزشکی ایشان چه دیدگاه‌های مطرح می‌کردند؟**

در مسئله تلقیح مصنوعی نظر ایشان این بود که بین زوج و زوجه ممانعی ندارد و فقط زن و شوهر می‌توانند این کار را انجام دهند و برای دیگران جایز نیست. چراکه اگر بناست تلقیحی انجام شود، باید از طریق زن و شوهر باشد ورنه اگر بخواهد مردی از نطفه او استفاده کنند و در رحم زن اجنبی قرار دهند و فرزندش دنیا بیاید، این فرزندگی که بناسبت به دنیا بیاید، معلوم نیست که پدرش یا مادرش کیست و لذا این مسئله در آینده بسیار نگران‌کننده است. اگر ادامه پیدا کند، بسیاری از افراد را خواهیم داشت که معلوم نیست پدرشان یا مادر و برادر و خواهرشان کیست و بنیان خانواده‌ها از هم می‌پاشد.

مسائل اصلی دین و ادله، بسیار برای‌شان مهم بود، در عین حال سعی می‌کردند فتوای‌شان راه‌گشا باشد.

کنکه بعدی این‌که ایشان به قرآن اهتمام بسیار ویژه‌ای داشتند و همیشه در بحث‌های‌شان گلابه می‌کردند که چرا برخی از افراد و مجتهدین در بعضی از مسائل فقهی آن‌طور که باید و شاید به این مباحث اهمیت نمی‌دهند. به‌عنوان نمونه در چند سال اخیر، مسئله‌ای مطرح شد که اگر زنی در سن ۲۰ یا ۳۰ سالگی رحم او را برارند، اگر آن زن شوهر ثابت و طلاق گرفت باید بازهم که کسی دارد یا خیر؟ در خاطر دارم که تکیه مقالهای نوشته بود که چنین زن‌هایی عده ندارند که خود من در همان زمان اشکالی به آن مقاله نوشتم که در شماره‌های بعدی مجله فقه چاپ شد. از آن‌جایی که ایشان درس خاصی در ماه مبارک رمضان داشتند، بنده خواش مباحث در آن وجود دارد.

البته این مباحث این‌طور نباید باشد که مربوط به مسئله عده و طلاق در قرآن استفاده کرد، ثابت کردند که چنین راه بود. در عده رساله‌ای نیز در این زمینه دارند که به چاپ رسیده ایشان با

احاطه‌ای که بر آیات و روایات داشتند و با استفاده از خود قرآن استنباط کردند که چنین زنی هم عده دارد. ایشان با احاطه‌ای که نسبت به تفسیر داشتند، به حکم شرعی رسیدند که چنین زنی در این سن اگر مطلقه واقع شد، عده دارد.

**معنای فقه چیست؟** فقه یعنی این‌که انسان از راه‌ها و منابع صحیح، منابعی که حجت بین او و خدا هستند، یعنی اجماع و عقل بتواند احکام را دربیابد و همچنین از ادله معتبر نیز استفاده کند. اگر کسی قدرت استنباط قوانین الهی از ادله معتبر را داشته باشد، این فرد می‌شود فقیه و مجتهد.

اگر فقهی فقط یک ذهن و فکر مستقیم داشته باشد و در استنباطات فقهی خودش یک احتمالی را لحاظ دهد به ذهن هیچ‌کس نمی‌رسد. اگر درست نیست، بلکه باید یک فقیه هم‌زمان با نیاز روز و عرف جامعه جلو برود.

**فقه سنتی و پویا چیست؟**

گاهی اوقات می‌گویند که فقه سنتی همان روش استدلالی و استنباطی علمای گذشته است، یعنی فقهی که متصل به زمان معصوم نبوده. و اگر ما بخواهیم مسئله‌ای را استنباط کنیم یا باید، ببینیم که ریشه این مسئله و آن‌چه که ارتباط با این مسئله دارد در زمان فقهای گذشته موجود است یا خیر و با همان شیوه استنباطی و اجتهاد کنیم. این می‌شود نوعی از فقه که مورد تأکید امام و فقهای برجسته بود.

البته اگر ما در این‌جا فقه پویا را در مقابل این معنا قرار دهیم و بگوییم که فقه پویا یعنی ما به آن روش استنباطی گذشتگان کاری نداشته باشیم و باییم به نحو دیگری به این مسائل بپردازیم، مثلا فرض بفرمایید در مسائل حقوق زن ما کاری به متون و نصوص نداشته و این‌ها را کنار بگذاریم. این فقه پویا در مقابل فقه سنتی است. اما گاهی پیش می‌آید که ما فقه پویا را این‌گونه معنی کنیم که مسئله‌ای را از بطن مسائل روز دربیاوریم، و یا به بیان بهتر فقهی بتواند مسائل جدید را، از پرتو همان استنباط‌های فقهای گذشته دربیابد، این می‌شود پویایی به معنای صحیح آن؛ و اصلا فقه سنتی ما به‌خاطر همین پویایی‌اش بوده که رشد کرده پس بستگی دارد که ما چگونه این‌ها را معنا

کنیم. اگر ما فقه سنتی را این‌طور معنا کنیم که کاری به مسائل جدید نکنیم می‌خواهد همان مسائل قدیمی را بازگو کند، این معنا را ما قبول نداریم و امام هم قبول نداشتند.

**منظور از تطبیق زمان و مکان در مسائل فقهی که مورد تأکید امام خمینی و آیتا... فاضل بوده، چیست؟**

همان‌طور که در مسائل جدید بکنیم و اگر کسی فقیه سنتی باشد، این فتوا را می‌دهد که در فقه ما و در جوهره قرآن ما، زمان و مکان در استنباط و اجتهاد دخالت دارد. امام باقر علیه‌السلام فرمودند که امیر مؤمنان در زمان حکومتش، عداوی از

را که برای مردم کار می‌کردند، تأمین کرده و ضامن قرار می‌داد، اما من آن‌ها را ضامن نمی‌دانم، چراکه آن زمان، زمام حکومت دست امیر مؤمنان بوده است. حکومت باید نسبت به اموال مردم توجه داشته باشد، ولی من چون حکومتی ندارم، نمی‌توانم چنین ضمانتی را داشته باشم.

این نشانگر این است که اگر کسی بخواهد در فقه سنتی جستجو بکند، به‌خوبی می‌تواند تأثیر زمان و مکان را دریابد.

اما اگر همین زمان و مکان را باییم جور دیگری معنا کنیم و بگوییم که تطبیق زمان و مکان یعنی این‌که ما باییم و بگوییم چیزی که در گذشته حلال بوده الان حرام است، مثلا اگر در صدر اسلام تعدد زوجات حلال بوده الان بگوییم حرام است، این اصلا با فقه ارتباط ندارد و اگر فقهی بیاید چنین نظری بدهد، قطعا باید در فقا‌ت او تردید کرد.

**وقتی فقهی بخواهد در بحث مسائل روز و مباحثی مانند پزشکی نظری دهد، آیا برای آشنایی با آن علم، نیاز به کسب اطلاعات دارد؟** لزومی ندارد که فقیه در مسائل روز تخصصی داشته باشد، مهم موضوع‌شناسی است. زمانی بحث سر این بود که آیا این الکل طیبی یا صنعتی است یا کسب یا نجس؟ خب ایشان به ما فرمودند که از بعضی از مراکز پزشکی سؤال کنید که آیا واقعیت شیمیایی این الکل‌ها با الکل‌های خوراکی تفاوتی دارد یا نه و یک مقدار هم توضیح بدهند. بعضی از مسائل قدیم بعضی از این مراکز پزشکی توضیحاتی دادند که این‌ها هم مکتوب شد و ایشان نظرشان را دادند که نه بالاخره این‌ها حرام نیست. مثلا در مسئله قربانی، خصوصا در باب حج می‌گویند که قربانی باید با آهن ذبح شود و با شیشه و چیزهای دیگر ذبح نباید صورت بگیرد. الان چاقوهایی که قبایه‌ها دارند، معمولا استیل است. بعضی از فقها تردید می‌کردند که آیا با این چاقوها می‌شود ذبح کرد یا نه؟ یکی از دوستان در فولاد مبارک که مسئول عقیدتی بود، معظله‌ها فرمودند که تحقیق کنید که فرق استیل و آهن چیست و یک گزارش مفصل برام بیاورید، که در این تحقیق ثابت شد که استیل هم نوعی از آهن است.

ایشان در مسأله‌ی که نیاز به شناخت و موضوع‌شناسی بود، منابعی را که وجود داشت توسط ما با دیگران به وقت موردنظر قرار می‌دادند.

مثلا در مورد پول، خودشان به این نتیجه رسیدند که ارزش پول به پشت‌وانه نفت و طلا نیست که البته این مسئله ارزش پول یک ارزش محسنی رضایی هم که در مسائل اقتصادی کار کرده بودند در میان می‌گذارند و به این نتیجه می‌رسند که پول به دولتی است که این پول در آن دولت چاپ می‌شود. لذا فتوا دادند که ارزش پول یک ارزش اعتباری مستقل دارد و آثار فقهی دیگری را هم از این تحقیق به‌دست آوردند. بنابراین موضوع‌شناسی هم خیلی اهمیت داشت

### ایشان به قرآن

اهتمام بسیار ویژه‌ای

داشتند و همیشه

در بحث‌های‌شان

گلابه می‌کردند که

چرا برخی از افراد

مجتهدین در بعضی

از مسائل فقهی

آن‌طور که باید و

شاید به این مباحث

اهمیت نمی‌دهند